

سایه‌های صحرا



Farrokh, Kaveh

سرشناسه: فرخ، کاوه

عنوان و نام پدیدآور: سایه‌های صحرا: ایران باستان در جنگ/ کاوه فرخ؛ ترجمه شهریانو صارمی

مشخصات نشر: تهران، ققنوس، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۵۵۲ ص: مصور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۹۰۰-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: *Shadows in the desert: ancient Persia at War, 2007.*

موضوع: تاریخ نظامی باستان

موضوع: ایران - تاریخ - هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م

موضوع: ایران - تاریخ - اشکانیان، ۲۴۹ ق.م - ۲۲۶ م.

موضوع: ایران - تاریخ - ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م.

موضوع: ایران - تاریخ نظامی

موضوع: ایران - تاریخ - پیش از اسلام

شناسه افزوده: صارمی، شهریانو، ۱۳۴۳ - ، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ س۲ ۴ف/۲۱۹ *DSR*

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۲۶۰۲۸۱

سایه‌های صحرا

ایران باستان در جنگ

دکتر کاوه فرخ

ترجمه شهربانو صارمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:
Shadows in the Desert
Ancient Persia at War
Dr Kaveh Farrokh
Osprey Publishing, 2007



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
شماره ۱۰۷، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

* * *

دکتر کاوه فرخ

سایه‌های صحرا

ایران باستان در جنگ

ترجمه شهربانو صارمی

چاپ اول

۱۳۹۰

۲۰۰۰ نسخه

چاپ شمشاد

حقوق چاپ محفوظ است

شابک: ۳-۹۰۰-۳۱۱-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-311-900-3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۷۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار: جنگاوران بزرگ پارس
۱۱	مقدمه: پارس یا ایران؟
۱۳	گاهشمار
۲۱	بخش اول: هخامنشیان
۲۳	فصل ۱ پیش از هخامنشیان
۶۵	فصل ۲ کوروش کبیر و اولین پادشاهان هخامنشی
۹۳	فصل ۳ داریوش بزرگ
۱۳۳	فصل ۴ خشایارشا و مرزهای امپراتوری
۱۵۵	فصل ۵ شاهنشاهی هخامنشی از پادشاهی اردشیر اول تا ظهور مقدونیه
۱۷۱	فصل ۶ داریوش سوم و سقوط امپراتوری
۱۹۹	بخش دوم: اشکانیان
۲۰۱	فصل ۷ سلوکیان و ظهور اشکانیان
۲۳۳	فصل ۸ چالش پارت با روم
۲۵۹	فصل ۹ اشکانیان از حمله مارکوس آنتونیوس تا هجوم آلانها
۲۸۳	فصل ۱۰ تلاش امپراتور تراپانوس برای نابودی اشکانیان
۲۹۷	فصل ۱۱ نزول و سقوط اشکانیان

۳۲۱	بخش سوم: ساسانیان
۳۲۳	فصل ۱۲ ظهور سلسله ساسانی
۳۶۱	فصل ۱۳ شاپور دوم: تجدید قوای ساسانیان
۳۸۱	فصل ۱۴ آشوب‌های قرن پنجم
۴۰۱	فصل ۱۵ دوران سلطنت قباد
۴۱۷	فصل ۱۶ خسرو اول، نوزایی و تجدید حیات
۴۴۵	فصل ۱۷ شکوه بازپسین و زوال امپراتوری
۴۷۹	فصل ۱۸ سقوط ساسانیان و استیلای اعراب
۵۰۳	فصل ۱۹ میراث ایران پس از چیرگی اسلام
۵۳۱	کتاب‌شناسی برگزیده
۵۳۹	نمایه

جنگاوران بزرگ پارس

داستان جنگاوران پارس بیش از سه هزار سال قبل با ظهور هندوایرانی‌ها در آسیای مرکزی آغاز می‌شود. اسب خیلی پیش‌تر اهلی شده بود و مهاجمان هندوایرانی، مانند یونانیان عصر هومر، گردونه‌ران توصیف شده‌اند. شاید در این دوران از اسب بدون زین و لگام برای گرد آوردن گاو و گوسفند استفاده می‌شده است. در هر حال مناسب‌ترین وسیله برای نقل و انتقال نجیب‌زاده‌ها گردونه بود. ایرانیان به سوی غرب سرازیر شدند و هندی‌ها عازم شبه‌قاره هند، و هر جا که رسیدند وحشت برانگیختند. در شرق خوارزمیان، سغدی‌ها، باکتریایی‌ها، و دیگران به سرزمین‌هایی که قبایلی همچون دراویدی‌ها به طور پراکنده ساکن بودند هجوم بردند و در غرب مادها و پارس‌ها نواحی تحت حکومت عیلامیان، مانایی‌ها، و قبایل کاسپی را اشغال کردند، و زبان خود را به ساکنان این مناطق دادند. شاید بتوان این ایرانیان را شبیه ترک‌های بعدی فرض کرد که آذربایجان و آناتولی را به تصرف خود درآوردند.

مادها که اسب‌های مورد نیاز امپراتوری آشور را تأمین می‌کردند به زودی برای به چالش طلبیدن این امپراتوری قدرت کافی یافتند. طبق گفته هروودوت، هووخشتره [کیاکسار] سربازان قبایل ماد را به صورت ارتشی با واحدهای نیزه‌دار و سواره‌نظام سازماندهی کرد، و به این ترتیب نیروی منظمی به وجود آورد، اما تا دوران کوروش کبیر ارتش ماد و پارس شکل منسجمی به خود نگرفت. تقریباً در همان زمان ارمنه از آناتولی وارد آذربایجان شدند.

گرچه کوروش کبیر با سلسله پادشاهی ماد پیوند نسبی داشت، داریوش بنیانگذار واقعی امپراتوری هخامنشی به شمار می‌رود. امپراتوری بر دولت‌های پیشین برتری چشمگیر داشت چرا که «قانون شاه» مافوق قوانین مذهبی پادشاهی‌های گوناگونی بود که این شاهنشاهی عظیم را تشکیل می‌داد. قانون شاه یکی از عواملی بود که چندین قرن انسجام امپراتوری را حفظ کرد. در کتیبه مقبره داریوش در نقش رستم می‌خوانیم:

اگر می‌اندیشی چند بود آن کشورهایی که داریوش شاه داشت پیکرها را بنگر که تخت را می‌برند. آن‌گاه خواهی دانست، آن‌گاه بر تو معلوم می‌شود [که] نیزه مرد پارسی چه دور رفته.

ارتش تحت فرمان هخامنشیان اولیه در گشودن سرزمین‌ها و سرکوب شورش‌ها بسیار کارآمد بود. متأسفانه با گذشت زمان ماهیت ارتش تغییر یافت. با گرفتن مالیات از ملل گوناگون سربازان لجام‌گسیخته شدند و در فقدان ارتش حرفه‌ای، شاهنشاهان هخامنشی شروع به اجیر کردن سربازان مزدور تعلیم‌دیده یونانی کردند. به این ترتیب، اسکندر که نابعه نظامی بود با آوردن سربازان یونانی به ایران به حکومت هخامنشیان پایان بخشید.

پس از دوران کوتاه سلطه سلوکیان در تاریخ ایران، نیروی تازه‌ای از آسیای مرکزی وارد ایران شد که، به دلیل نام سرسلسله، اشکانیان نامیده شدند. در ارتش تحت کنترل اشکانیان سه ویژگی جدید ظاهر شد؛ یکی «تیر پارتی» بود که سواره‌نظام استفاده می‌کرد، دوم کمان مرکب، و دست آخر نبرد رودرو با ارتش متخاصم. این تیراندازان سواره و قهرمانانی که مظهر ارتش خود بودند، با کمان‌های مرکب قدرتمند خویش ترس در دل رومیان می‌کاشتند و به شخصیت‌های اصلی این عصر قهرمانی تبدیل شدند. در پایان دوره اشکانیان، شکل جدیدی از سواره‌نظام جوشن‌پوش، سوار بر اسب زره‌دار ظاهر شد، که شاید پیش‌درآمد شوالیه‌های اروپا بود. این سواران زره‌پوش نیزه‌های بلند حمل می‌کردند و بیش از همه ترس به دل رومیان می‌انداختند. شاید در همین زمان یا کمی بعدتر رکاب اختراع شد و بر انعطاف سواره‌نظام افزود. این دوره از تاریخ ایران مقارن با آغاز پیدایش ادیان جهانی، همچون مانویت، است که موجب رقابت مسیحیت با آیین زرتشت شد.

دوره ساسانیان دوران تثبیت قدرت مرکزی و شکل‌گیری واحدهای جدید ارتش بود. در این دوره نوعی سنت وجود داشت، به نحوی که هم دین و هم دولت به جای تفوق یکی بر دیگری، یکدیگر را تقویت می‌کرد. جنگ‌های مداوم در دو جبهه علیه بیزانس و در مقابله با تهاجم از سوی آسیای مرکزی نه تنها ارتش را هوشیار نگه می‌داشت بلکه ایران را به عرصه ثروت و تجارت تبدیل می‌کرد. از آغاز فرمانروایی سلسله ساسانی عیار نقره در سکه‌های ایرانی بالا بود و سکه‌های ساسانی همه جا اعتبار داشت، در حالی که سکه‌های دیگر مناطق چندان اعتباری نداشت. اقتصاد کشاورزی پیشاپیش از رونق کافی برخوردار بود، و بازرگانان و تجار نیز شروع به گشودن راه‌های جدید به سوی شرق دور و آفریقا کردند. به جای جنگ بر سر اراضی و درگیری در نبردی فراگیر، دادن باج به طرف مقابل ساده‌تر بود. این مورد تنها به امپراتوری هخامنشی و دوره داریوش سوم آخرین شاهنشاه هخامنشی که در شمال شرق کشته شد محدود نمی‌شود، یزدگرد نیز هنگام گریز از دست اعراب چنین سرنوشتی پیدا کرد.

در این کتاب، دکتر کاوه فرخ ما را با نظرگاه ایرانی این روایت، در مقابل دیدگاه یونانی و رومی آن که مدت‌های مدید بر دانش ما از این جنگ‌ها سایه افکنده است، آشنا می‌سازد. نگاه از منظر دیگر مطبوع است و دکتر فرخ در این تاریخ بر بسیاری از نهادهای ایرانی، مانند سواره‌نظام نخبه ساسانی یا «اسواران»، پرتوی از نور می‌افشاند.

پرفسور ریچارد نلسون فرای

سپتامبر ۲۰۰۶

پارس یا ایران؟

پارس یا ایران؟ به یک مفهوم، از آنجا که هر دو به موجودیتی یگانه اشاره دارند صحیح است: نوعی امپراتوری واسط که میان تمدن‌های بزرگ چین و هند در شرق و دنیای یونانی-رومی غرب قرار داشت. یونانیان اولین امپراتوری ایرانی هخامنشی را با عنوان «پرسیا»^۱ شناختند، گرچه ایرانیان سرزمین خود را «ائر-آن»^۲ یا «ایر-آن»^۳ می‌نامیدند (یعنی سرزمین آریایی‌ها).

ایرانیان اولیه خانواده‌ای متشکل از مادها، پارس‌ها، و نژاد عمدتاً نابودشده ایرانیان شمالی (سکاها یا اسکیت‌ها و سرمت‌ها) بودند. ایران یا پارس از بدو پیدایش کشوری چندزبانه، چندقومی و کثیرآیین بود. ایران امروز نه تنها زبان فارسی نو بلکه تعداد زیادی از دیگر زبان‌های ایرانی مانند کردی، بلوچی، لری، و مازندرانی را نیز در خود جای داده است. ترک‌زبانان آذربایجان در شمال غرب ایران، و اعراب ساکن در امتداد ساحل خلیج فارس و خوزستان در جنوب غرب از اکثریت برخوردارند. ایران همچنين کشوری با آب و هوای بسیار متنوع است: این کشور را فقط صحرا در بر نگرفته. قسمت عمده‌ای از میراث ایران برآمده از نواحی شمال و شمال غرب آن، در همسایگی قفقاز و آناتولی است و با آسیای

1. Persseya

2. Eire-An

3. Ir-An

مرکزی، منطقه‌ای که پارسیان اولیه و مادها از آنجا آمدند نیز در ارتباط است. خلیج فارس تا همین امروز نشان تمام و کمال ایرانی بر خود دارد. اصطلاح پارس وقتی صحیح است که شامل تمام جماعات ایرانی شود، به‌ویژه کردها و آذری‌ها که علی‌الاصول اخلاف مادهای باستان هستند. بنیانگذاران واقعی ایران مادها بودند، و به واسطه آن‌ها بود که شالوده امپراتوری کوروش و داریوش پی افکنده شد. ایرانیان شمالی نه تنها نقش عمده‌ای در به وجود آوردن شاهنشاهی هخامنشی داشتند بلکه حلقه‌ای حیاتی در انتقال میراث فرهنگی فلات ایران، مدت‌ها پس از زوال هخامنشیان به دست اسکندر بودند.

پارت‌ها نه تنها پارس را پس از فتوحات اسکندر احیا کردند، بلکه زمینه به قدرت رسیدن امپراتوری ساسانی را نیز فراهم آوردند که میراث فرهنگی‌اش تا به امروز زنده مانده است. پارتیان و ساسانیان بارها پیروزی‌های چشمگیر بر رومیان داشتند و ثابت کردند وارثانی شایسته برای شاهنشاهی قدرتمند هخامنشی هستند. با وجود سقوط ساسانیان به دست اعراب در قرن هفتم میلادی، میراث فرهنگی آنان بر قفقاز، اعراب، اسلام، اروپا، چین، ژاپن، هند و شرق دور تأثیر گذاشت. پارس، چه غالب و چه مغلوب، تأثیر عمیقی در تمدن دنیا داشته است، به‌ویژه در زمینه الهیات، فن‌آوری، علم و دانش، تجارت، قوانین، ارتباطات، امور نظامی، سوارکاری، هنر، معماری، و موسیقی.

گاهشمار

- ۱۰۰۰ ق.م
پیدایش اقتصادهای کشاورزی در غرب ایران امروزی، شمال عراق، سوریه، لبنان، و فلسطین. ظهور زبان پیشاهندواروپایی در آناتولی شرقی، شمال غرب عراق، ارمنستان، عراق و کردستان.
- ۸۰۰۰ ق.م
پراکنده شدن کشاورزان پیشاهندواروپایی در سراسر آناتولی، اژه و داخل اروپا.
- ۵۰۰۰-۴۰۰۰ ق.م
ورود مهاجران پیشاهندواروپایی به اوکراین.
- ۴۰۰۰ ق.م
ابداع اسب‌سواری در اوکراین.
- ۴۰۰۰-۳۰۰۰ ق.م
پدید آمدن جامعه جنگجوی کورگان. گسترش به شرق، و داخل اروپای قاره‌ای در غرب.
- ۳۰۰۰ ق.م
ظهور فرهنگ آندرونوو در اورال اوکراین شرقی، منطقه دریای سیاه - خزر، و بیش‌تر نواحی قزاقستان.
- ۱۶۰۰-۱۲۰۰ ق.م
ادامه مهاجرت آریاییان آندرونوو به سوی آسیای مرکزی در شرق.
- ۱۵۰۰ ق.م
اولین مهاجرت آریاییان از آسیای مرکزی به فلات ایران و داخل بین‌النهرین و سوریه. آمیزش با هوریایی‌ها و پدید آمدن میتانی.
- ۱۲۰۰-۱۰۰۰ ق.م
مهاجرت آریاییان در مقیاس بزرگ به فلات ایران و افغانستان.
- ۸۱۱-۷۳۰ ق.م
هجوم آشور به ایران.
- ۷۲۷ ق.م
به تخت نشستن دیاکو اولین پادشاه ماد؛ تبعید به سوریه توسط سارگن دوم در سال ۷۱۵ ق.م.

سلطنت فرورتیش.	۶۷۴-۶۵۳ ق.م
هجوم سکاهاى آن سوي دريا به ماد.	۶۵۲ - ۶۲۵ ق.م
سلطنت هووخستره، متحد ساختن آريايي‌هاى فلات ايران؛ تشكيل سپاده.	۶۲۴ - ۵۸۵ ق.م
سقوط نينوا پاي‌تخت آشور: اتحاد هووخستره با بابل براي حمله به آشور. سقوط اورارتو در قفقاز به دست مادها.	۶۱۲ ق.م
سلطنت ايشتويگو آخرين پادشاه ماد.	۵۸۴ - ۵۴۹ ق.م
به دنيا آمدن كوروش كبير.	حدود ۵۷۵ ق.م
جلوس كوروش بر تخت پادشاهي آنتان (غرب پارس).	۵۵۹ ق.م
ادغام پادشاهي كهن عيلام (۲۷۰۰-۵۳۹ ق.م) در پارس.	
شكست ايشتويگو در اكباتان از كوروش كبير. اتحاد مادها و پارس‌ها براي تشكيل شاهنشاهي هخامنشي.	۵۵۰ ق.م
فتح ليدى به دست كوروش، شكست كرزوس در سارد پاي‌تخت ليدى.	۵۴۷ ق.م
سقوط بابل به دست كوروش.	۵۳۹ ق.م
مرگ كوروش در آسيای مركزي هنگام جنگ با ملکه توميريس و ماساگت‌ها.	۵۳۰ ق.م
سلطنت كمبوجيه دوم. فتح مصر در ۵۲۵ ق.م. مرگ در پي شورش مدعيان تاج و تخت.	۵۳۰ - ۵۲۲ ق.م
سلطنت داريوش بزرگ. رسيدن امپراتوري به حداكثر وسعت در زمان داريوش.	۵۲۱ - ۴۸۶ ق.م
فتح بخش‌هايي از شمال هند (سند و پنجاب) به دست داريوش.	۵۲۰ - ۵۱۳ ق.م
غلبه داريوش بر سكاهاي آسيای مركزي.	۵۱۹ ق.م
شكست عمليات نظامي داريوش در برابر سكاهاي آن سوي دريا.	۵۱۲ ق.م
شورش يونيايي در مخالفت با امپراتوري. تثبيت مجدد قدرت به سال ۴۹۴ ق.م به دست داريوش.	۴۹۹ - ۴۹۴ ق.م
شكست داريوش و هخامنشيان در جنگ ماراتون.	۴۹۰ ق.م
سلطنت خشايارشا.	۴۸۶ - ۴۶۵ ق.م
سرکوب شورش مصر و بابل.	۴۸۴ ق.م
حمله خشايارشا به يونان با ارتش عظيم چندمليتي.	۴۸۰ ق.م

- پیروزی پرهزینه در ترموپیل، غارت و به آتش کشیدن
آتن. شکست نیروی دریایی او در سالامیس.
سلطنت اردشیر اول. شکست شورش مصر در سال
۴۶۴ - ۴۲۵ ق.م
۴۵۹.
- معاهده صلح کالیاس بین اردشیر اول و اتحادیه دلوسی.
جنگ پلوپونزی.
سلطنت اردشیر دوم. شکست شورشیان هوادار برادرش
در سال ۴۰۱ در کوناکسا.
جنگ با اسپارت.
سلطنت فیلیپ دوم مقدونی.
جدایی مصر از امپراتوری.
شورش ساتراپ‌ها.
سلطنت اردشیر سوم. فتح مجدد مصر در سال ۳۴۲ ق.م،
و سرکوب تمام شورش‌ها.
سلطنت داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی.
فتح شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر کبیر.
جنگ‌های دیادوخوی. تصرف بین‌النهرین، ماد، فلات
ایران، شرق و شمال شرق ایران، افغانستان امروزی،
بخش‌هایی از آناتولی شرقی، سوریه، و آسیای مرکزی
به دست سلوکوس نیکاتور (حدود ۳۱۲ - ۲۸۱).
ورود طوایف کوچ‌نشین پرنی اتحادیه داهه از آسیای
مرکزی به پارت در شمال شرق ایران.
سلطنت آنتیوخوس دوم تئوس. جدایی پادشاهی یونانی
بلخ.
شورش آندراگوراس ساتراپ سلوکی پارت علیه
سلوکیان.
تصرف پارت توسط اشک و برکناری آندراگوراس.
حمله آنتیوخوس سوم به پارت (حدود ۲۲۳ - ۱۸۷)، به
رسمیت شناختن سلوکیان توسط قوای اشک دوم.
شکست آنتیوخوس سوم در جنگ ترموپیل یونان.
شکست آنتیوخوس سوم در جنگ ماگنسیای آناتولی.
سلطنت مهرداد اول. تصرف سلوکیه و اسارت شاه
دمتریوس دوم (حدود ۱۴۶ - ۱۴۱).
- ۴۴۸ - ۴۴۷ ق.م
۴۳۱ - ۴۰۴ ق.م
۴۰۴ - ۳۵۹ ق.م
۴۰۰ - ۳۸۷ ق.م
۳۸۲ - ۳۳۶ ق.م
۳۷۳ ق.م
۳۶۸ - ۳۶۷ ق.م
۳۵۹ - ۳۳۸ ق.م
۳۳۶ - ۳۳۰ ق.م
۳۳۴ - ۳۳۰ ق.م
۳۲۲ - ۳۰۱ ق.م
۳۰۰ - ۲۰۰ ق.م
۲۶۱ - ۲۴۶ ق.م
۲۴۷ - ۲۴۵ ق.م
۲۴۱ ق.م
۲۰۹ - ۲۰۶ ق.م
۱۹۱ ق.م
۱۸۹ ق.م
۱۷۱ - ۱۳۸ ق.م

- ۱۲۹ ق.م. شکست آنتیوخوس هفتم (حدود ۱۳۸-۱۲۹) در اکباتان از فرهاد دوم (حدود ۱۳۸-۱۲۷) در جنگ اکباتان. سلطنت مهرداد دوم. ظهور کوشانیان. شکوفایی هنر بودایی هندوایرانی-یونانی، و ترویج آیین بودا.
- ۱۲۳ - ۸۸ ق.م. سده نخست پیش از میلاد تا اوایل سده سوم میلادی دهه ۱۲۰ ق.م. ۱۰۰ ق.م. - ۱۰۰ م
- ۵۳ ق.م. نابودی ارتش مارکوس لیکینیوس کراسوس به دست پارتیان تحت فرماندهی سورن در کرهه. آغاز جنگ‌های پاکر با رومیان. پیوستن کوینتوس آنیوس لایبئوس در سال ۳۹/۴۰. مرگ لایبئوس و پاکر تا سال ۲۶.
- ۳۶ ق.م. حمله ناموفق مارکوس آنتونیوس به پارت و شکست در ماد آتروپاتن.
- ۲۰ ق.م. مذاکره فرهاد چهارم (حدود ۳۸-۲ ق.م) با آوگوستوس. توافق بلاش و نرون بر سر ارمنستان. حمله آن‌ها به شمال غرب ایران. حمله ویرانگر ترایانوس امپراتور روم به قلمرو اشکانیان.
- ۱۱۷ م پیشنهاد مذاکره امپراتور هادریانوس به اشکانیان. حمله بلاش چهارم (حدود ۱۴۷-۱۹۱) به ارمنستان و بین‌النهرین. ضد حمله موفقیت‌آمیز لوکیوس وروس و تصرف تیسفون در سال ۱۶۴.
- ۱۹۸ م برانگیخته شدن سپتیمیوس سوروس برای حمله متقابل بر اثر اعمال ضد رومی بلاش پنجم (حدود ۱۹۱-۲۰۸). تسخیر تیسفون برای بار سوم به دست رومیان. توقف حمله رومیان به قلمرو اشکانی در جنگ بی‌نتیجه نصیبین.
- ۲۲۴ م اتحاد اردشیر (حدود ۲۲۴-۲۴۱) شاه محلی پارس با مادها و کردها برای سرنگونی پارتیان در هرمزدگان.

- ۲۳۳ م تلاش امپراتور آلكساندر سوروس برای نابودی امپراتوری جدید ساسانی و شکست سخت از اردشیر در تیسفون.
- ۲۴۱ - ۲۷۲ م سلطنت شاپور اول. شکست گوردیانوس سوم در مسیکه در سال ۲۴۴.
- حدود ۲۵۶ م شکست فیلیپ عرب از شاپور اول در باربالیسوس.
- حدود ۲۶۰ م شکست والریانوس از شاپور اول در کرهه و ادسا. اسارت والریانوس و هفتاد هزار نفر از سپاه او. تصرف سوریه و کاپادوکیه به دست شاپور اول.
- ۲۶۰ - ۲۶۱ م عقب راندن ساسانیان درون مرزهای خود توسط اودناتوس پادشاه پالمیرا. حمله ناموفق به تیسفون و سپس عقب‌نشینی به سوریه.
- ۲۹۶ م شکست نرسه (حدود ۲۹۳ - ۳۰۱) از گالریوس در ارمنستان.
- دهه ۳۳۷ - ۳۵۰ م حمله شاپور دوم (حدود ۳۰۹ - ۳۷۹) به نصیبین پس از شکست حمله اعراب در دهه ۳۲۰، او مجبور شد برای مقابله با خیون‌ها در سال ۳۵۷ به آسیای مرکزی برود. شاپور در سال ۳۵۰ به نصیبین بازگشت و در سال ۳۵۹ آمد (دیاربکر) را تصرف کرد.
- ۳۶۳ م حمله بزرگ امپراتور یولیانوس به قلمرو ساسانی، پیروزی در مرنگه، او روز ۲۶ ژوئن در حمله سواره‌نظام کشته شد.
- ۴۲۱ م پیروزی بهرام پنجم (حدود ۴۲۰ - ۴۳۸) بر هپتالیان آسیای مرکزی در مرو.
- ۴۳۸ - ۴۵۷ م سلطنت یزدگرد دوم.
- ۴۴۹ م صدور فرمان یزدگرد مبنی بر الزام آرامنه به رویگردانی از مسیحیت، سرکوب شورش گسترده حاصل از این فرمان توسط ساسانیان در میادین آوارایر ارمنستان به تاریخ دوم ژوئن ۴۵۱. مقاومت ده‌ها سال ادامه یافت.
- ۴۸۴ م شکست و مرگ پیروز اول (حدود ۴۵۹ - ۴۸۴) به دست هپتالیان. الزام امپراتوری به پرداخت خراج سالانه

- به هپتالی‌ها. ظهور جنبش «سوسیالیستی» مزدک. موافقت شاه بلاش (حدود ۴۸۴ - ۴۸۸) با حق ارامنه برای به جا آوردن تکالیف مذهبی مسیحیت.
- اولین دوره پادشاهی قباد اول؛ پیروزی بر خزرهایی که از قفقاز حمله کرده بودند. م ۴۸۸ - ۴۹۶ م
- دومین دوره پادشاهی قباد اول. سرکوب مزدکیان. اولین جنگ قباد با بیزانس. م ۴۹۸ - ۵۳۱ م
- جنگ دوم قباد با بیزانس. م ۵۰۲ - ۵۰۴ م
- سلطنت خسرو اول. اتحاد با ترک‌ها و شکست هپتالی‌ها. جنگ بی‌وقفه با بیزانس. م ۵۳۱ - ۵۷۹ م
- حمله ترک‌ها و هپتالی‌ها از آسیای مرکزی به امپراتوری ساسانی. سرکوب ترک‌ها و هپتالی‌ها توسط بهرام چوبین، نابود کردن قوای خاقان‌های ترک شرقی و غربی در آسیای مرکزی. م ۵۸۸ م
- افتادن قدرت به دست بهرام چوبین و راندن هرمز چهارم (حدود ۵۷۹ - ۵۹۰) از قدرت. م ۵۹۰ م
- به سلطنت رسیدن دوباره خسرو دوم (حدود ۵۹۱ - ۶۲۸) پسر هرمز به کمک ماوریکوس امپراتور روم. م ۵۹۱ م
- قتل امپراتور ماوریکوس. هجوم تمام و کمال خسرو به بیزانس. م ۶۰۲ م
- فتح بین‌النهرین، سوریه، یهودیه، لبنان، مصر، و آناتولی و محاصره قسطنطنیه. م ۶۰۲ - ۶۲۱ م
- حمله ترک‌ها و هپتالی‌ها از آسیای مرکزی به امپراتوری ساسانی. شکست ترک‌ها و هپتالی‌ها در آسیای مرکزی از قوای سمبات باگراتونی. م ۶۱۹ م
- بازپس‌گیری اراضی از دست رفته به دست امپراتور هراکلیوس. قتل خسرو دوم در تیسفون و درخواست صلح از سوی امپراتوری ساسانی. م ۶۲۲ - ۶۲۸ م
- پیروزی اعراب بر ارتش ساسانی در قادسیه (۶۳۷)، و تصرف تیسفون. مقاومت نومیدانه یزدگرد سوم (حدود ۶۳۲ - ۶۵۱) آخرین پادشاه ساسانی در جلولا و نهاوند که با شکست قطعی همراه بود. سقوط شاهنشاهی ساسانی. م ۶۳۷ - ۶۵۱ م

شورش دیلمیان در شمال ایران. آغاز جنبش مقاومت به رهبری بابک خرمدین در آذربایجان که سه دهه ادامه یافت (۸۱۶ - ۸۳۷).

۶۵۱ - ۸۳۸ م

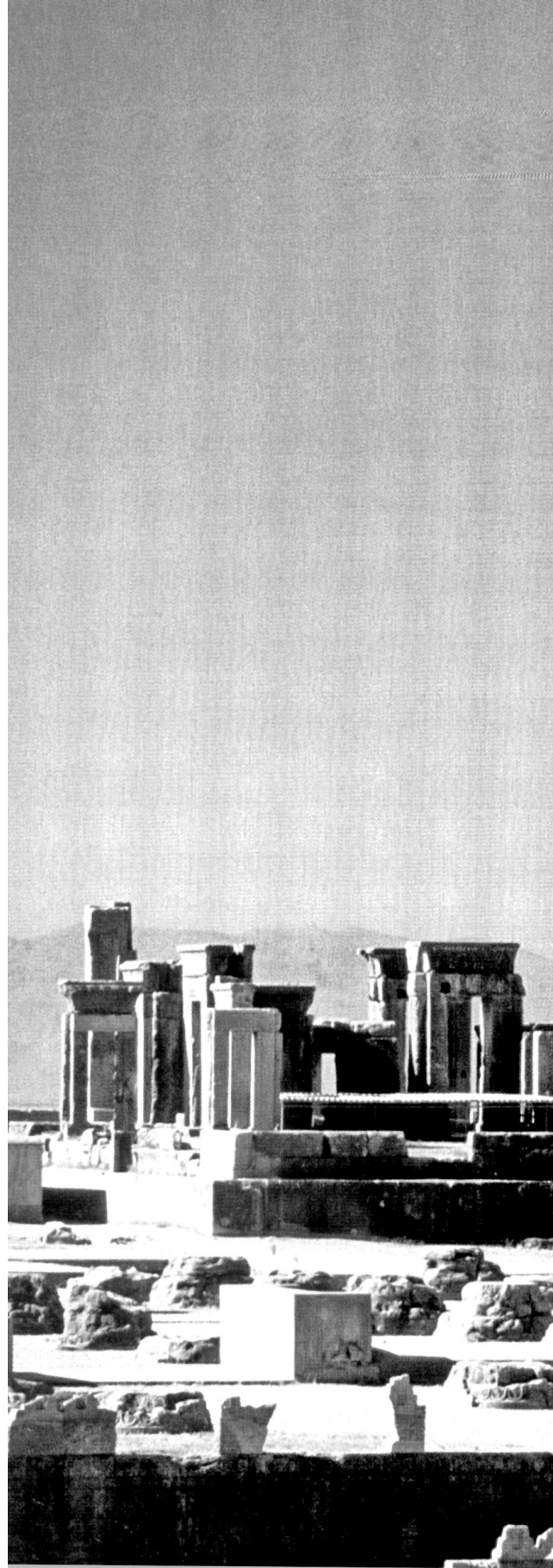


بخش اول



هخامنشیان

اولین «امپراتوری دنیا» در اوج خود از تراکیه و سواحل اژه در غرب تا آسیای مرکزی و هند در شرق امتداد داشت. دستاوردهای هخامنشیان عبارت بود از ساخت جاده شاهی، اولین سیستم خیررسانی، و اقتصاد پولی متمرکز. اما شاید بزرگ‌ترین دهش امپراتوری به نوع بشر منشور حقوق بشر کوروش و احترام او به تنوع دینی، فرهنگی، و زبانی موجود در امپراتوری بود.



پیش از هخامنشیان

ظهور فرهنگ جنگجوی کورگان: اولین پیشاهندواروپاییان

تاریخدانان به طور کلی منشأ زبان‌های هندواروپایی را به اوکراین حدود ۵۰۰۰ - ۴۰۰۰ ق.م نسبت می‌دهند. اما تحلیل‌های باستان‌شناختی، زبان‌شناختی، و ژنتیکی اخیر تصویری بسیار پیچیده‌تر عرضه کرده است.^(۱) گرچه ناحیه اوکراین در گسترش زبان‌های هندواروپایی نقش حیاتی داشته اما توافق عموم بر این است که اولین گویشوران زبان‌های هندواروپایی اهل ناحیه‌ای در شمال عراق کنونی، جنوب ارمنستان، شمال غرب ایران، آناتولی شرقی، آذربایجان ایران، و شاید آلبانیای باستان بوده‌اند.^(۲) تحلیل‌های ژنتیکی^(۳) آشکار ساخته که ابداع کشاورزی در هلال خصیب و انتشار آن در فراسوی خاور نزدیک توسط اجداد حداقل سه نژاد متمایز ژنتیکی و زبانی انجام گرفته است: پیشا حامی و سامی، پیشا عیلام و دراویدی، و پیشا هندواروپایی.^(۴) زبان‌هایی که بخش عمده‌ای از اروپاییان، ایرانی‌ها و هندی‌ها به آن‌ها تکلم می‌کنند، در نهایت، از زبان این کشاورزان هندواروپایی منشأ گرفته است.^(۵) اقتصاد کامل کشاورزی که به فرهنگ حلف معروف است تقریباً دوازده هزار سال قبل در شرق هلال خصیب آغاز شد.^(۶) فعالیت کشاورزی در خاور نزدیک هلالی را در بر می‌گرفت که از کوه‌های کردستان در غرب ایران آغاز می‌شد و در جلگه بین‌النهرین، سراسر سوریه، بخش‌هایی از اردن به طرف لبنان و منطقه فلسطین امتداد

(صفحه قبل - راست)
چشم‌انداز باز قصر
هخامنشیان در تخت
جمشید. بنای تخت
جمشید هشتاد تا صد
سال قبل از آکروپولیس
آتن آغاز شد.

(صفحه قبل - چپ)
پلاک طلایی جنگجوی
سکای آن سوی دریا،
قرن چهارم ق.م، از
مقبره کول‌اوبا در
اوکراین. سوارکارانی
از این دست طلا به‌دار
قبایل آریایی بودند
که در فلات ایران،
کوه‌های زاگرس، شمال
بین‌النهرین و آناتولی
شرقی اقامت گزیدند.



دهانهٔ اسب برنزی با
گونه‌پوش‌های تزیین
شده، مکشوف از
لرستان، اوایل عصر
آهن، حدوداً قرون دهم
تا هفتم ق.م. موجودات
ترکیبی که این دهانه
را تزیین کرده‌اند ویژه
آثار برنزی لرستان است.
از علائم روی دهانه
چنین برمی‌آید که یک
پیشکشی ساده در گور
نیست.

می‌یافت.^(۷) بررسی‌های باستان‌شناختی نیز شواهدی از برخی جانوران اولیهٔ اهلی، و اولین آلات و ادوات کشاورزی و عمل‌آوری غله در شمال و شرق عراق و غرب ایران در اختیار ما قرار داده است.^(۸)

کشاورزان هندواروپایی از حدود هزارهٔ نهم پیش از میلاد به تدریج از آناتولی به منطقهٔ اژه و از آن‌جا به سوی اروپا روانه شدند. کشاورزی موجب شد تراکم جمعیت که یک نفر در هر ده کیلومتر مربع و مختص اقتصاد شکار-خوشه‌چینی بود، پنجاه برابر افزایش یابد. پژوهشگران امروزی بر آند کشاورزان پیشا هندواروپایی با سرعت متوسط یک کیلومتر در سال در سرتاسر اروپا گسترده شده‌اند.^(۹) در هزاره‌های پنجم و ششم پیش از میلاد، اقتصاد کشاورزی در اوکراین گسترش یافت. این کشاورزان عصر نوسنگی به تدریج جمعیت بومی اوکراین را که در مرحلهٔ پیش از کشاورزی میان‌سنگی قرار داشت در خود جذب کردند، اوکراین منطقه‌ای بود که انقلاب تکنولوژی آن تاریخ نوع بشر را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

انقلاب اسب‌سواران: سوارانی از اوکراین

اهلی کردن اسب و ابداع سوارکاری تحول تاریخی و زبانی نوع بشر را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. منشأ همه امپراتوری‌های پیش از اسلام ایران (مادها، هخامنشیان، اشکانیان، و ساسانیان) را می‌توان تا این سواران اولیه پی گرفت. سنت سواری در اوکراین زاده شد، و زبان‌های هندواروپایی، چنان‌که امروز اطلاع داریم، از اوکراین سرچشمه گرفته و به سوی اروپا، آسیای مرکزی، ایران، و هند گسترش یافته است.

پیش از اهلی کردن اسب و ابداع سوارکاری، اسب‌ها به صورت گله‌های بزرگ وحشی در مراتع پهناور — از استپ‌های اوکراین گرفته تا کوه‌های سرحدات تیشن‌شان و مغولستان — در حال پرسه زدن بودند. از آن‌جا که علوفه یا در یک کلام ذخیره غذایی اندک بود، دهان اسب‌ها با غذایی که در دسترس بود سازش پیدا کرد و میان دندان‌های پیشین و دندان‌های آسیا فاصله به وجود آمد. همین فاصله بود که به انسان هوشمند اجازه داد وارد عمل شود: ابداع دهانه.

پژوهشی جدید آثار وجود اسب‌سواران را حدود چهار هزار سال پیش از میلاد نشان می‌دهد، درست ۲۵۰۰ سال قبل از آن چیزی که معمولاً فرض می‌شد.^(۱۰) این کشف ثابت می‌کند که اسب‌سواری در اوکراین قبل از اختراع چرخ در سومر باستان (جنوب شرق عراق) ابداع شده است. آنچه در بازنگری تاریخ اسب‌سواری حیاتی است کشف بقایای دندانی یک اسب نر از دریوکا^۱ است که تقریباً به شش هزار سال قبل تعلق دارد.^(۱۱) دندان اسب نر دریوکا پخ و پر از ترک است؛ یعنی به آن دهانه زده بوده‌اند.

هنوز معلوم نیست مردم اوکراین باستان چگونه اسب‌های وحشی را می‌گرفتند یا تربیت می‌کردند؛ شاید از اشکال ابتدایی طناب یا کمند استفاده می‌کرده‌اند. از اسب برای حمل بار، کشیدن گاری، چهارچرخه، و دست‌آخر گردونه و سواری استفاده می‌شد. اسب‌ها چنان بودند که با وسایلی مانند دهنه فلزی و استخوانی در دهان و تسمه به دور گردن سازگاری داشتند، این واقعیت، ابداع اسب‌سواری را به دستاوردی چشمگیر برای انسان بدل کرد. اهلی کردن اسب و اسب‌سواری چندین مزیت داشت.^(۱۲) اسب منبع آماده

1. Dereivka

شمشیرهای برنزی
لرستان، قرن یازدهم
ق.م. (آر. شریدان، هنر و
معماری باستان)



و دائمی شیر و گوشت بود، و سواران قادر به جمع‌آوری و کنترل گله‌های بزرگ‌تری از اسب‌های «رام‌نشده» به منظور استفاده غذایی بودند. همچنین شکار حیوانات وحشی سوار بر اسب، ساده‌تر و آسان‌تر بود. اسب به عنوان وسیله حمل و نقل موجب افزایش بهره‌برداری تا شش برابر بیشتر از اراضی می‌شد، و داد و ستد در فواصل دورتر و مهاجرت به دور دست‌ها را امکان‌پذیر می‌ساخت. شاید فن‌آوری نظامی مربوط به سوارکاری از همه این دستاوردها مهم‌تر بود. جنگجویان سوار بر اسب، از نظر سرعت، امکان تحرک، قدرت حمله و برخورداری از مزیت نظامی تعیین‌کننده بر همسایگان پیاده خود برتری داشتند. حال مراکز استقرار جمعیت با اقتصادهای پر رونق در برابر جنگجویان سواری که عملاً از اقدام متقابل و تلافی در امان می‌ماندند، آسیب‌پذیر بود.

هندواروپاییان کورگان: جامعه جنگجو

پیدایش سوارکاری عامل اساسی در گسترش فرهنگ کورگان بود که خود در گسترده شدن زبان‌های پیشا هندواروپایی و جامعه آن نقش اساسی داشت.^(۱۳) جماعات پیشا ایرانی بخش عمده‌ای از فرهنگ اولیه سوارکاران اوکراین را حفظ کردند؛ همین ویژگی مکرراً در مضامین شکار سواره و جنگ سواره‌نظام هخامنشی، اشکانی، و ساسانی دیده می‌شود.

جنگجویان کورگان به سوی آسیای مرکزی در شرق تاختند و این «کورگانان شرقی» اجداد آریاییان بودند. موفقیت کورگانان ناشی از فن‌آوری نظامی بر اساس نشستن بر پشت اسب بود. واژه equestrian [به معنی «اسب‌سوار»] مشتق از واژه اصیل هندواروپایی *ekuo* به معنی «اسب» است.

تولد آریاییان: فرهنگ آندرونوو

در سال ۳۰۰۰ ق.م گسترش کورگان‌ها به سوی شرق موجب ظهور فرهنگ عصر برنز آندرونوو^۱ در دامنه‌های اورال، مرزهای شمالی دریای خزر و شمال آسیای مرکزی به سوی شرق شده بود.^(۱۴) برای اولین بار از آندرونوو، به‌ویژه منطقه سینتاشا - پترووکا در حوزه رود اورال آثار جماعات و زبان‌های اصیل پیشاآریایی به دست آمد.^(۱۵) آن‌ها به سبب استخراج مس از معادن آلتای و زندگی در روستاهایی با کلبه‌های ساخته شده از تنه درخت معروف هستند.^(۱۶)

واژه آریایی در زبان‌های کهن ایرانی به معنی «اصیل»، «سرور»، یا «آزادمرد» است و چندان به مکاتب اروپامحور برتری نژادی نوردیک (اروپای شمالی) مربوط نمی‌شود که نخستین بار فیلسوفان نژادپرست قرن نوزدهم مانند چیمبرلین مطرح کردند. طبق نظر جی. پی. ملوری باستان‌شناس «واژه [آریایی]، به عنوان لقب قومی، به معنی دقیق کلمه منحصر به هندوایرانیان است و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، متعلق به ایرانیان است که هنوز این نام را بر کشور خود دارند... داریوش پادشاه

بزرگ هخامنشی خود را آریایی می‌نامید.^(۱۷) هندیان در هند واژه آریایی را برای نشان دادن اشرافیت به کار می‌بردند و برای نامیدن ملت خود از واژه «بهارات»، لقبی که تا به امروز زنده مانده، استفاده می‌کردند. تنها جمعیت باستانی اروپا که در اصطلاح آریایی با ایرانیان اشتراک دارند، سلت‌ها و اخلاف ایرلندی آن‌ها هستند.

نام «ایران» (به معنی سرزمین آریاییان) مشتق از Aryanam (صورت جمع آن در اوستا) است. این نام بعدها به Eran/Eirean و Iran تبدیل شد.^(۱۸) شاهد جدید دیگر، میان اخلاف ایرانی‌زبان آلان‌های باستان در جمهوری گرجستان و روسیه یافت شده است. آن‌ها که به «اوستیایی»^(۱۹) معروفند لقب Ir-On و در زبان گفتاری Ir-iston را بر خود دارند. اصطلاح اوستیایی *istona* معادل *istan* فارسی است (کردستان، لرستان، و غیره). دانشگاهیان غرب فرهنگ آریایی را که از حوزه آندرونوو برخاسته است «هندوآریایی» یا «پیشایرانی» می‌خوانند. علت آن است که هندی‌های آریایی از بدنه اصلی آریایی‌هایی منشعب شده‌اند که به ایرانیان تبدیل شدند (پارس‌ها، مادها، سکاها/اسکیت‌ها، آلان‌ها، و غیره).

اسناد باستان‌شناختی نشان‌دهنده عناصر اولیه فرهنگ آریایی است. دفن گردونه و اسب یکی از شعایر تدفینی بارز آریایی‌هاست. گردونه جزء لازم کاست آریایی بعدی هند^(۲۰) و هخامنشیان پارس بود. یشت آخر (سرودهای مذهبی پارسی) بارها و بارها به نقش مقدس اسب اشاره می‌کند.^(۲۱) مراسمی مشابه میان جمعیت‌های ایرانی شکل‌یافته در آسیای مرکزی مانند ماساگت‌ها^(۲۲) و آرامنه قفقاز یافت شده است.^(۲۳) پهلوانان آریایی در پارس، همواره هنگام نبرد یا در قربانگاه‌های مقدس «سوار بر اسب» توصیف می‌شوند.^(۲۴) این سنت‌ها اصل آریایی شاهنشاهی‌های هخامنشی، اشکانی، و ساسانی را اثبات می‌کند.^(۲۵) لُرهای غرب ایران شاید آخرین جماعت هندواروپایی باشند که هنوز الوهیت اسب و دیگر آیین‌های باستانی آریایی را گرامی می‌دارند.^(۲۶) گورپشته‌های جنگجویان کورگان (مرد و زن) و غالباً اسب‌های آن‌ها را هنوز می‌توان در شمال غرب ایران، مخصوصاً آذربایجان، دید.

برتری آریاییان در فن آوری نظامی

خاور نزدیک و استپ‌های پهناور اوراسیا از سپیده‌دم تمدن با هم تلاقی بسیار داشته‌اند. ابداعات صورت گرفته در هر منطقه بر اثر تجارت و برخوردهای نظامی انتقال می‌یافت. در هزاره سوم قبل از میلاد سومری‌ها صفه‌ای از الوار که به کمک کام و زبانه به هم متصل شده بود ساخته، روی چهارچرخه ابتدایی سوار کرده بودند.^(۲۷) ارابه را گورخرها می‌کشیدند و یک وسیله نسبتاً زمخت پیچیده دور صورت و گردن، آن‌ها را مهار، و نفس کشیدن را برای حیوان سخت می‌کرد. این کار، همراه با فن آوری ابتدایی و زیادی وزن وسیله نقلیه، سرعت را حداکثر به دوازده تا پانزده کیلومتر در ساعت محدود می‌کرد. فن آوری چرخ سومری‌ها به سرعت در سرتاسر خاور نزدیک، شبه‌قاره هند و اروپا گسترش یافت.

سومری‌ها احتمالاً از طریق روابط تجاری با کورگان‌های اولیه در ارتباط بوده‌اند.^(۲۸) کورگان‌ها چرخ را به اوکراین بردند^(۲۹) و به زودی از آن‌جا به ناحیه آندرونووی پسا کورگان تسری یافت. در هزاره دوم پیش از میلاد این نوآوری آریاییان را به اختراع چرخ پره‌دار و گردونه جنگی^(۳۰) رهنمون شد.^(۳۱) اخیراً گردونه‌های جنگی مدفون بی‌شماری در سینتاشا-پترووکای قزاقستان کشف شده است.^(۳۲) این یافته‌ها کهن‌ترین از نوع خود و شاهدهی بر اصالت گردونه‌های آریایی است.^(۳۳) توافق کلی بر این است که گردونه جنگی را به ترتیب هندوآریایی‌ها، هیتی‌ها، و هیکسوس‌های مهاجم از فلات ایران، آناتولی و حوزه مدیترانه به خاور نزدیک برده‌اند.^(۳۴)

گردونه جنگی آریایی که در اصل سلاحی برای شکار بود از چوب سبک و سکویی از رشته‌های چرمی درهم‌بافته ساخته می‌شد به نحوی که بتواند تاب گردونه‌ران و کماندار را بیاورد. وزن این وسیله از ۲۷ کیلوگرم بیش‌تر نبود و بدنه آیرودینامیک مدور آن به کاهش مقاومت هوا کمک می‌کرد. سرعت اسب در تلفیق با سبکی وزن این وسیله موجب شتاب چشمگیر آن می‌شد. همه این عوامل باعث می‌شد گردونه بسیار سریع‌تر حرکت کند و قابلیت تحرک آن بیش‌تر از نیای سومری‌اش باشد. در میدان جنگ، گردونه در مقابل پیاده‌نظام سه برتری داشت: سرعت،

سکوی مرتفع برای تیراندازی، و تحرک. حاصل ترکیب تحرک گردونه و تیراندازی کماندار، سلاحی ابداعی و ویرانگر بود. گسترش عصر برنز برای جنگاوران کورگان به معنی داشتن جوشن، شمشیر و سرنیزه‌های بادوام‌تر در قیاس با هموردانشان هنگام پیشروی از اوکراین به سرزمین‌های آنان بود. به احتمال زیاد در اوایل عصر برنز خنجر به تدریج به شکل «شمشیر» دراز درآمد. تعداد زیادی از این شمشیرهای خنجرمانند در لرستان یافت شده است.

آثار تیر و کمان را به عنوان جنگ‌افزار می‌توان تا پنجاه هزار سال قبل، در پارینه‌سنگی کهن (دورهٔ پریگوردی یا اورینیاکی) یافت. کمان اولین اختراع مکانیکی بود که می‌توانست قدرت عضلات را در خود ذخیره کند و سپس انرژی پتانسیل را به تیر منتقل کرده به انرژی جنبشی تغییر شکل دهد. کمان‌های ابتدایی را با تکه‌چوبی خمیده یا ماده‌ای قابل انعطاف

کورگان‌ها و آریاییان ۱۰۰۰۰ تا ۶۷۰ ق.م

